

تحلیل گفتمان انتقادی شعر دفاع مقدّس برای کودکان از منظر

رهیافت ون لیون (۲۰۰۸ م.)

صدیقه سادات مقداری*

استادیار دانشگاه پیام نو؛ قاین

شکوفه جهانگیری**

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات؛ فارس

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۳)

چکیده

این تحقیق به بررسی مؤلفه‌های گفتمان‌مدار موجود در اشعار دفاع مقدّس برای کودک و نوجوان پرداخته و سعی در بیان این مطلب دارد که تا چه حدّ و به چه منظور شاعران کودک در اشعار خویش از این مؤلفه‌ها استفاده کرده‌اند و با پوشیدگی سخن می‌گویند. همچنین این تحقیق به بررسی تغییر نگرش شاعران نسبت به مسئله جنگ و چگونگی بازنمایی آن در شعر کودک پرداخته است. بر این اساس، ۶ کتاب از ۳ شاعر انتخاب و بررسی شد. تعداد ساختارهای گفتمان‌مدار موجود در اشعار با اندکی تعدیل بر اساس الگوی ون لیون (۲۰۰۸ م.) مشخص شد. در ادامه برای بررسی نگرش و مفهوم هویت ملی از الگوی پیشنهادی این تحقیق استفاده گردید. بر این اساس، مشخص شد که در اشعار مخصوص کودک و نوجوان نیز از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار استفاده می‌شود و بسامد مؤلفه‌های ادبی در آنها بیشتر است. شاعران برای انتقال مفهوم مثبتی از هویت ملی از مؤلفه‌های ادبی بهره می‌جویند. همچنین شاعران کودک و نوجوان از سال‌های اوّلیه پس از جنگ تا دوره کنونی با روندی تغییرپذیر در نگرش، نسبت به این مسئله شعر سروده‌اند. این تغییرپذیری در گفتمان و سبک اشعار مشهود است. در بُعد نگرش به جنگ و ارزش‌گذاری شاعران، روندی فراملی و انسان‌شناسانه را دنبال کرده‌اند و این نگرش با توجه به نسل آثار شاعران مورد بررسی در دهه دوم پس از جنگ بیشتر شده است. در شعر دفاع مقدّس، هویت ملی مسئله‌ای بسیار مهم است که به کرات بروز می‌کند و شاعران آگاهانه یا ناخودآگاه به آن می‌پردازند. ادبیات کودک و نوجوان حیطه‌ای بسیار منعطف است که در صورت تحقیقات بیشتر روی آن در موارد لزوم قابل تعدیل و بازخوانی است.

واژگان کلیدی: جنگ، شعر دفاع مقدّس، تحلیل انتقادی گفتمان، هویت ملی، ادبیات کودک و نوجوان.

* نویسنده مسئول (E-mail: s_meghdari@pnu.ac.ir)

** E-mail: sediqe2006@pnu.ac.ir

مقدمه

تحلیل گفتمان انتقادی از جمله گرایش‌های نوین در علم زبان‌شناسی است که در سال‌های اخیر توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. هرچند پیشینه این رویکرد به مباحث فصاحت، بلاغت و معانی برمی‌گردد، اما چگونگی شکل‌گیری تجزیه و تحلیل گفتمان، به‌ویژه تحلیل گفتمان انتقادی را باید در نیمه دوم قرن بیستم جستجو کرد. در نظریه تحلیل گفتمان انتقادی روابط جنسیتی، قومی و مذهبی، فرهنگ‌های گوناگون، ارزش‌های اجتماعی، جنگ و دیگر حوادث مهم تاریخی و نیز ساختارهای مدنی و سیاسی متون مورد بررسی قرار می‌گیرد و نیز این رویکرد به روابط میان افراد و چگونگی نمایش این روابط در متن‌ها می‌پردازد (ر.ک؛ خلیلی، ۱۳۸۴: ۱). تحلیل گفتمان انتقادی رشته‌ای است که به مطالعه و تحلیل متون شفاهی و نوشتاری به منظور آشکارسازی منابع مستدل قدرت، تسلط و نابرابری می‌پردازد. در واقع، تحلیل گفتمان انتقادی به این پرسش پاسخ می‌دهد که چگونه این منابع گفتمانی در درون بافت‌های سیاسی، اجتماعی و تاریخی حفظ و بازتولید می‌شوند. هدف تحلیل در نظریه تحلیل گفتمان انتقادی، یافتن ایدئولوژی در پس متون می‌باشد تا ناگفته‌های گوینده و نویسنده آشکار گردد (ر.ک؛ ون دایک، ۱۳۸۲: ۴). گفتمان در واقع، بخش آشکار متون و بافت است و تحلیل گفتمان انتقادی در بر گیرنده ابزاری است که ما را در کشف ابعاد پوشیده گفتمان یاری می‌دهد. این نظریه رویکردی جامعه‌شناختی به مقوله زبان و ابزارهای زبانی است که در آن گفتمان سطوح و ابعاد متعددی دارد.

تحلیل و بررسی ادبیات و شعر از دیدگاه زبان‌شناختی، فهم بهتر ادبیات را در پی دارد. به گفته نیچه (Friedrich Nietzsche) «زبان بیش از آنکه آشکار کند، پنهان می‌سازد. تحلیل متون ادبی و شعر به مخاطب خود این امکان را می‌دهد تا بیشتر و بهتر پنهان‌کاری‌های ادبی و لایه‌های زیرین زبان ادبی را دریابد و بدین ترتیب، معنا و منظور واقعی نویسنده را درک نماید و بفهمد که آیا شاعر با بازی با واژگان ادبی و چینش مختلف آنها در جملات قصد دارد به صورت پنهان ذهن مخاطب خود را به سمت اهداف خویش سوق دهد یا بیشتر به آشکارسازی حقایق می‌پردازد و به خواننده اجازه می‌دهد تا خود اظهار نظر نماید و برداشت‌های خاص خود را داشته باشد» (به نقل از آشوری، ۱۳۷۷: ۲۱۰).

ادبیات و بالأخص ادبیات کودک و نوجوان، چنان‌که باید از دیدگاه‌های علمی زبان‌شناسی مورد نقد و بررسی قرار نگرفته است. از آنجا که ادبیات کودک و نوجوان بر شکل‌گیری هویت او بسیار مؤثر است و با توجه به اینکه در زبان‌شناسی و در حیطه گفتمان نظریه تحلیل گفتمان انتقادی مناسب‌ترین شیوه برای بررسی ایدئولوژی، پوشیده‌گویی، سلطه مفروض و روابط قدرت می‌باشد، این نظریه می‌تواند در ارائه بینشی مورد اعتماد در زمینه ادبیات کودک و نوجوان مؤثر باشد.

در این پژوهش، شش کتاب شعر کودک و نوجوان مناسب برای گروه‌های سنی «د»، «د» - «ه» و «ه» با موضوع دفاع هشت‌ساله ایران در مقابل عراق، بر اساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی بررسی می‌شوند. این کتاب‌ها در شمار برترین آثار حدّ فاصل سال‌های پس از جنگ و دوره کنونی قرار دارند. دو کتاب به قول پرستو و مثل چشمه، مثل رود از قیصر امین‌پور، دو کتاب از آسمان سبز و از این ستاره تا آن ستاره اثر سلمان هراتی و کتاب‌های کوچه باران و فرشته بفرستید از عبدالرضا رضایی‌نیا انتخاب شده‌اند. کتب یاد شده با توجه به موضوع تحقیق یعنی موضوع جنگ و دفاع در اشعار کودک و نوجوان، فضای اشعار، تصویرپردازی‌های ادبی، گزینش‌های ساختاری و واژگانی مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این پژوهش، سعی می‌شود به بررسی تعامل بین ادبیات و جنگ تحمیلی پرداخته شود.

دوران هشت سال دفاع مقدّس یکی از گسترده‌ترین حوزه‌های تفکر، اندیشه و پژوهش را فراروی اندیشمندان و پژوهشگران در کشور قرار داده است تا ابعادی از فرهنگ و ارزش‌های اصیل مذهبی ملی مردم ایران را مورد پژوهش قرار دهند. در این پژوهش، سعی شده است تأثیر جنگ هشت‌ساله بر مقوله هویت‌سازی فرهنگ ایرانی در شعر کودک و نوجوان بررسی شود. طرح مباحث مربوط به هویت ایرانی در شعر دفاع مقدّس و جنگ برای کودکان و نوجوانان، سبب ترویج اندیشه‌های مهرورزی به میهن و تقویت روحیه دفاع از آن می‌شود و شعر به عنوان وسیله عمده‌ای برای تجلی مبانی هویت ایرانی می‌تواند مطرح باشد که نوع نگرش نوجوان ایرانی را به دنیای پیرامون خود نشان می‌دهد.

این پژوهش به دنبال کشف روند تغییرها، اعم از تغییرهای ساختاری و سبکی در شعر جنگ از منظر زمانی است و با بررسی مجموعه اشعار شاعران دوران اولیّه پس از جنگ و مقایسه آن با اشعار برگزیده چند دهه پس از جنگ، در پی کشف ساز و کارهای زبانی برای آشکارسازی نگاه و نگرش شاعران به مسئله جنگ و دفاع مقدّس برای کودکان و نوجوانان است.

اشعار این کتاب‌ها از سه منظر بررسی می‌گردند: نخست نحوه‌ی بازنمایی کارگزاران اجتماعی و کنش آنها با توجه به مؤلفه‌های تلفیقی جامعه‌شناختی - معنایی ون لیون و مؤلفه‌های ادبی که یارمحمدی در تحلیل‌های خود به کار می‌گیرد. دوم اشعار از نظر پی‌گیری روند تغییر در نگرش به جنگ، ارزشگذاری به مسئله جنگ و مفاهیم جدید در مرحله جنگ مورد تحلیل قرار می‌گیرند. برای این منظور، از موارد مطرح در نمودار ۱ استفاده می‌شود. در نهایت، به تشریح و تحلیل مسئله هویت ملی در این اشعار پرداخته می‌شود. ساختارهای گفتمان‌مدار با توجه به مؤلفه‌های الگوی ون لیون و مؤلفه‌های ادبی در اشعار مورد بررسی قرار گرفت. با توجه متون مورد بررسی به نظر می‌رسد که تلفیق مؤلفه‌های ون لیون و ادبی برای بررسی این متون مؤثرتر است، چراکه در شعر نیز ساختارهای گفتمان‌مدار وجود دارد و یا حتی بعضی از این ساختارها فقط در شعر کاربرد دارند، چراکه شعر زبان هنرمندانه‌ی رساندن معنی و مفهوم است. به دلیل کاربرد جامع الگوی ون لیون و تعدیل در مؤلفه‌های آن و نیز ارجاع این الگو به سایر متون از این چارچوب، به منظور بررسی نحوه‌ی بازنمایی کارگزاران اجتماعی در اشعار استفاده شده است.

۲- پیشینه پژوهش

از میان آثار فارسی موجود در زمینه تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی، می‌توان به یارمحمدی و خسروی (۱۳۸۰)، یارمحمدی (۱۳۸۵ و ۱۳۸۳)، آشوری (۱۳۷۷)، آفاگل‌زاده (۱۳۸۵ و همان، ۱۳۸۶: ۱۷-۲۸) اشاره کرد. در ایران، پایان‌نامه‌هایی زیادی بر مبنای نظریات تحلیل گفتمان انتقادی انجام شده است (ر.ک؛ خسروی نیک و یارمحمدی، ۱۳۸۷: ۱۷۳-۱۸۱؛ دواتگرزاده، ۱۳۸۷؛ خلیلی، ۱۳۸۴؛ فلاحی، ۱۳۸۸ و نیز ر.ک؛ Namjoo, 2005; Rahimi, 2004; Fard, 2004; Amal saleh, 2004; Ghane: 2010). همچنین برخی پایان‌نامه‌ها نیز به تحلیل ادبیات از این منظر پرداخته‌اند (ر.ک؛ قویمی، ۱۳۶۷: ۷۷-۹۰؛ شهبازی، ۱۳۷۸؛ حسینی، ۱۳۷۹؛ قنبری، ۱۳۸۳؛ یاسمی، ۱۳۸۸؛ محمدی، ۱۳۸۹؛ مکتبی‌فرد، ۱۳۸۹ و Fard, 2004). در برخی از پژوهش‌ها نیز ادبیات جنگ از منظر تحلیل گفتمان انتقادی بررسی شده است؛ از جمله:

○ سیف (۱۳۸۶) بازنمایی کارگزاران اجتماعی در منازعات فلسطین و اسرائیل را از طریق ساختارهای گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی را بررسی می‌کنند. تحلیل آنها نشان

می‌دهد که هیچ نوشته و گفته‌ای در این حوزه، خالی از ارزشگذاری نیست و نویسندگان در مقام مشروعیت بخشیدن یا زدودن مشروعیت از دیدگاه ویژه‌ای هستند.

○ ضیایی و صفایی (۱۳۸۹) گفتمان شعر جنگ تحمیلی را از منظر جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار می‌دهند. آنها علاوه بر نشان دادن بسترهای اجتماعی شعر و تعامل آن تحولات اجتماعی می‌کوشند تا با بررسی گفتمان این اشعار، منتقدان ادبی را در درک بهتر آثار و شعر مربوط به این دوره و رسالت ادبی این آثار کمک کنند.

○ مقداری (۱۳۸۹) به تحلیل ادبیات داستانی جنگ برای کودکان از منظر تحلیل گفتمان انتقادی می‌پردازد و با بررسی ده داستان، این متون را از نظر روند آشتی‌جویی و انتقام‌جویی و نیز کلیشه‌ها و پیش‌فرض‌های مرتبط با زنان مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. در نتیجه، وی نشان می‌دهد که اکثر داستان‌ها روند انتقام‌جویی را دنبال کرده‌اند، ولی زنان مرتبط با جنگ در این داستان‌ها بازنمایی نمی‌شوند.

در پژوهش‌های خارج از ایران نیز نظریه تحلیل گفتمان انتقادی از جمله رویکردهایی است که در دیگر متون و حیطه‌های بین‌رشته‌ای مانند جامعه‌شناسی، فلسفه، ادبیات، تاریخ، حقوق، مطبوعات و غیره بسیار پرکاربرد بوده است. این نظریه در ادبیات کودک نیز توجه بسیاری را به خود جلب کرده است که از این میان، می‌توان به مطالعات هانت (Hunt؛ ۲۰۰۵)، استیفنز (Stephense؛ ۱۹۹۲)، تالبوت (Tulbut؛ ۲۰۰۵) و ساندرلند (۲۰۰۴) اشاره نمود (به نقل از؛ مقداری، ۱۳۸۹: ۶۸). برخی از این پژوهش‌ها به نحوه بازنمایی نژادی در ادبیات و متون درسی کودکان پرداخته‌اند (ر.ک؛ Rogers & Christian, 2007: pp. 21-46؛ Roy, 2008: 2-9). بسیاری نیز بازنمایی جنسیتی و تأثیر آن بر شکل‌گیری هویت در کودکان را مد نظر قرار داده‌اند (ر.ک؛ Wharton, 2007: 132-144؛ Ogola, 2007: 245-254؛ Talif & Ramesh, 2010؛ 2005: 235-238). با نگاهی کلی به رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان در ایران و خارج از ایران و تنوع و شمار پژوهش‌های انجام شده در این باب، می‌توان به اهمیت و کارایی این رویکرد و نتایج آن در متون مختلف پی برد. بنابراین، تحلیل انتقادی گفتمان می‌تواند در ادبیات و شعر کودک نیز سهم مؤثر و کاربردی داشته باشد.

۳- رویکرد ون لیون در تحلیل انتقادی گفتمان

ون لیون (م. ۱۹۹۶م.) تأثیر گفتمان را در ساخت، تبدیل صورت و حفظ قدرت اجتماعی و جامعه امری مهم می‌داند. او از «رویکردی جامعه‌شناختی - معنایی» برای تحلیل متن خود استفاده می‌کند؛ بدین معنا که کارگزاران اجتماعی می‌توانند بازنمایی شوند. ون لیون (2008)، یک «نظام شبکه‌ای» را به ما معرفی می‌کند که کارگزاران اجتماعی در آن بازنمایی می‌شوند و در همان جا اتحاد ممکن بین انواع گوناگون زبانی، جامعه‌شناسی زبان و خصوصیات گفتمانی آغاز می‌گردد. از نظر وی، نه تنها کارگزاران اجتماعی می‌توانند بازنمایی شوند، بلکه کنش‌های اجتماعی نیز می‌توانند در همین شبکه نشان داده شوند. او تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که راه‌های مختلف بازنمایی کنش‌های اجتماعی در گفتمان چگونه است. به طور کلی، ون لیون در تحلیل گفتمان انگاره کارگزار (عامل) و کنش (عمل)، اجتماعی را مد نظر قرار می‌دهد که این دو الگو به ترتیب در پیوست ۱ و ۲ ارائه می‌شوند.

۴- چارچوب نظری پژوهش

در این پژوهش، با استفاده از الگوی ون لیون (2008) در گفتمان به منظور تعیین ساختارهای گفتمان‌مدار در اشعار با اندکی تغییر استفاده شده است. یارمحمدی (۱۳۸۳) با تلفیق الگوی ون لیون که در بر دارنده مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در تصویرسازی کارگزاران اجتماعی است و نیز مؤلفه‌های ادبی در متون ادبی مورد مطالعه‌اش توصیف و توجیه قانع‌کننده‌ای ارائه می‌دهد که در متون ادبی کاربرد وسیعی دارد. بر اساس این الگو، از شاخص‌ها و مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در تحلیل متون ادبی استفاده می‌شود و این مؤلفه‌ها به عنوان مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در نظر گرفته می‌شوند. مؤلفه‌های گفتمان‌مدار دیگری در متون ادبی وجود دارد که مؤلفه‌های مذکور و فعلی در الگوی ون لیون برای توجیه و توصیف آنها بسنده نیست. این مؤلفه‌ها بیشتر در متون ادبی کاربرد دارند. مؤلفه‌های ادبی در شعر نیز دامنه و کاربرد وسیعی دارند، لذا در ادامه پس از نگاهی به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی به تفصیل به تشریح مؤلفه‌های ادبی پرداخته خواهد شد. توصیف مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی و مؤلفه‌های ادبی همه برگرفته از توصیف یارمحمدی (۱۳۸۳) می‌باشد، ولی مثال بیان شده در تبیین هر یک از مؤلفه‌ها، از متون شعری مورد بررسی در همین پژوهش گرفته شده

است. فقط در باب مؤلفه مشخص سازی چندموردی از نوع هویت درهمی و مؤلفه طعنه مثالی در داده های پژوهش مشاهده نشده است، در سایر موارد مثال مناسب ارائه شده است.

۵- مؤلفه های جامعه شناختی - معنایی

۵-۱) حذف کردن (Elusion)

حذف خود بر دو نوع است:

الف) حذف بی غرض (Innocent)؛ یعنی حذف جزئیاتی که فرض بر آن است، خواننده از قبل آنها را می داند.

ب) حذف آگاهانه که در پیوند با اهداف نویسنده و برای ایجاد تصوّر مورد نظر وی در مخاطب صورت می گیرد و خود بر دو نوع است: ۱- پنهان سازی. ۲) کمرنگ سازی.

- پنهان سازی؛ که در هیچ کجای متن، هیچ گونه اشاره ای نمی شود:

«امروز دوباره کسی را آوردند

که سر نداشت» (هراتی، ۱۳۸۸: ۵۴).

- کمرنگ سازی؛ در کمرنگ سازی نقش کارگزار اجتماعی با رانده شدن به حاشیه کمرنگ شده است و در اینجا عامل محذوف، قابل حدس است:

«چنان با من از مرگ آلاله ها گفت که روحم تب مرگ را آرزو کرد»

(همان: ۶۹).

۵-۲) بیان کردن (Inclusion)

در بسیاری موارد در گفتمان ها کارگزار اجتماعی به وضوح ذکر می شود. این ذکر به شیوه های مختلفی صورت می گیرد که عبارتند از:

۵-۲-۱) نقش دهی

نقش دهی به دو صورت فعال سازی و منفعل سازی صورت می گیرد.

الف) در فعال سازی کارگزار اجتماعی به صورت نیرویی فعال و کننده کار تصویرسازی می شود:

«امام می آید»

و امتحان نهایی شروع خواهد شد» (هراتی، ۱۳۷۳: ۲۹).

ب) در منفعل سازی کارگزار اجتماعی به گونه ای تصویرسازی می شود که گویی به عمل تن می دهد:

«آه این اشک از کجا آمد گونه خواهر مرا تر کرد»

(همان: ۳۷).

در این نمونه، برعکس مورد پیشین سعی شده است تا از کارگزار اجتماعی سلب مسئولیت شده است و در واقع، نقش او در انجام عمل کمرنگ تر نشان داده شده است.

۲-۲-۵) ارجاع دهی

برای ارجاع دهی در تصویرسازی، از دو مقوله شخصی سازی و غیر شخصی سازی استفاده می شود. اگر در تصویرسازی، کارگزار اجتماعی به صورت انسان بازنمایی شود، در مقوله شخصی سازی و اگر به شکل غیر انسان تصویرسازی شود، در مقوله غیر شخصی سازی طبقه بندی می شود.

الف) غیر شخصی سازی به منظور عینیت بخشیدن به عمل و بی طرف نشان دادن کارگزار اجتماعی صورت می گیرد و خود شامل عینی سازی است. عینی سازی که در آن تصویرسازی از طریق مکان و شیء مرتبط با کارگزار اجتماعی یا کنش او صورت می گیرد:

«گل فریاد شکفت

همه پاسخ دادیم:

حاضر؛

ما همه اکبر لیل زادیم!» (امین پور، ۱۳۸۷: ۱۰۶).

ب) شخصی سازی نیز دو زیرمقوله مشخص نمایی و نامشخص نمایی است. هرگاه کارگزاران اجتماعی به صورت افراد و یا گروه های نامشخص، نامعلوم و ناشناس، تصویرسازی شوند و هویت آنها مجهول باقی بماند، از شیوه نامشخص نمایی استفاده شده است که در آن کارگزار اجتماعی در واقع، گمنام سازی می شود:

«آن سبز، با سخاوت خورشید

بخشید هر چه داشت

جز آن لباس سبز

و نقش آن کلام الهی را» (همان: ۳۸۰).

ج) مشخص سازی هنگامی رخ می دهد که هویت کارگزار اجتماعی به نحوی مشخص، روشن و شناخته شده است، مشخص سازی به دو گونه متمایز می شود:

❖ مشخص سازی تکموردی

این حالت وقتی اتفاق می افتد که کارگزاران اجتماعی در آن واحد در عمل یا نقش اجتماعی مشخص شرکت دارند:

«و ما از خویش پرسیدیم

زیستن یعنی چه؟» (هراتی، ۱۳۸۸: ۷۵).

❖ مشخص سازی چندموردی

در این نوع مشخص سازی، کارگزار اجتماعی خود انواع چندی به شرح زیر دارد:

- وارونگی

در حالت وارونگی، کارگزار اجتماعی با دو نقش متضاد و وارونه هم بازنمایی می شود که این دو نقش می توانند یکی شخصیتی مربوط به گذشته و دیگری مربوط به زمان حال باشند و یا هر دو نقش که همخوانی با هم ندارند و ناهنجارند، به دو صورت «زمان درهمی» و «هویت درهمی» نمایانده می شوند:

* زمان درهمی:

«فصل گل بود و بهار

فصل پُرنقش و نگار

باد بی رحم خزان

ناگهان از سر دیوار پرید

و بر این باغ وزید» (امین پور، ۱۳۶۸: ۲۰).

(ب) نمادین‌شدگی

در این حالت، عوامل اجتماعی خیالی، اسطوره‌ای و یا داستانی به جای عوامل واقعی به کار می‌روند. در واقع، کارگزاران اجتماعی به این روش برجسته‌سازی می‌شوند.

«دیوارها دوباره پُر از عکس لاله‌هاست

اینجا

وضعیت خطر گذرا نیست

آزیر قرمز است که می‌نالد» (همان، ۱۳۸۷: ۳۸۲).

(۴) دلالت ضمنی کردن

در حالت دلالت ضمنی، ممکن است که یک کارگزار مشخص و منحصر به فرد در عین حال، مقوله یا نقش دیگری بر عهده داشته باشد:

«سیم‌های خاردار

بر اندام نسیمیان

زخم می‌بافت» (رضایی‌نیا، ۱۳۸۸: ۳۵).

(۵) فشرده‌شدگی

مشخص‌سازی از طریق ترکیبی از تعمیم و تجدید محقق می‌شود. صفتی خاص، مثلاً راهنمایی، رهبری و حلال مشکلات از گروهی از مردمان انتزاع می‌گردد و آنگاه به هر یک از افراد آن گروه اطلاق می‌شود (ر.ک؛ یارمحمدی، ۱۳۸۳):

«بچه‌های نسیم

- وقت روشنی رمز - / زیبایی شدند و

زلال» (رضایی‌نیا، ۱۳۸۸: ۳۵).

(۶) پیوند زدن

در این مؤلفه، کارگزاران اجتماعی تشخیص‌دار و مشخص‌شده ممکن است به شکل گروه‌هایی نماینده شوند که دربارهٔ فعالیت، یا نقطه‌نظر واحدی دارند، یا فعل واحدی را انجام می‌دهند:

«به مزار شهدا می‌روم

حامد، باقر، عظیم، محسن، مهدی، وحید....

تک تک همسنگران آنجا

در سایه لبخند خدا خفته‌اند» (همان، ۱۳۸۹، ب: ۴۳).

۷) تفکیک کردن

این مؤلفه گفتمان مدار به صراحت یک فرد یا گروهی اجتماعی را از دیگر گروه‌های مشابه جدا می‌کند:

«دشمن ما

دشمن آیینه و قرآن و گل

دشمن زیبا شدن باغ‌ها

دشمن لبخند بود» (همان).

۸) عینی کردن

حالتی است که عامل به وسیله مکان، ابزاری که با آن فعالیت دارد، گفته می‌شود یا اشاره به اندام آنها تصویرسازی می‌گردند. از این رو، این مؤلفه‌ها به ترتیب مکان‌مداری (Spatialization)، ابزارمداری (Instrumentalization)، گفته‌مداری (Utterance) و اندام‌مداری (Somatization) نام گرفته‌اند.

- مثال از مکان‌مداری

«در قفس، دریا نمی‌گنجد زانکه کار موج پرواز است

ما همان دریای آزادییم دشمن ما آن قفس‌ساز است»

(امین پور، ۱۳۸۷: ۳۲۰).

۹) طبقه‌بندی کردن

در این زمینه، عوامل اجتماعی با عنایت به هویت‌ها و نقش‌هایی که با دیگران مشابه است، بازنمایی می‌شود. طبقه‌بندی کردن خود بر سه نوع است:

الف) «نقش‌دهی» که عوامل بر حسب نقشی که به آنها داده می‌شود یا کارشان طبقه‌بندی می‌شوند:

«زیرا معلّم فرمانده من است

سنگر کلاس ماست» (هراتی، ۱۳۷۳: ۴۱).

ب) «هویت‌دهی» که عوامل بر حسب ویژگی ذاتی و دائمی طبقه‌بندی می‌شوند و به آنها هویت خاصی داده می‌شود:

«مادر من چه شد؟ چرا امروز، روسری سیاه بر تن کرد؟»

(همان: ۳۷).

ج) «ارزش‌دهی» که در این مؤلفه، عامل بر حسب ارزش فرهنگی یا اجتماعی که به شخص یا گروه داده می‌شود، بازنمایی می‌شود:

«سیم‌های خاردار

بر اندام نسیمیان

زخم می‌بافت» (رضایی‌نیا، ۱۳۸۸، الف: ۶۵).

۶- مؤلفه‌های ادبی

نویسندگان ادبی و شاعران، مؤلفه‌های دیگری را نیز برای بیان هدف مورد نظر خود به کار می‌گیرند. این مؤلفه‌ها که با عنوان مؤلفه‌های ادبی در این پژوهش معرفی می‌شوند، افزون بر تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در برخی از موارد برای تصویرسازی دیگر عوامل اجتماعی از جمله عملکردهای اجتماعی نیز استفاده می‌شوند. در واقع، به کارگیری این گونه مؤلفه‌ها شیوه بیان نویسنده ادبی یا شاعر را به گونه‌ای تغییر می‌دهد تا پیام تأثیر بیشتری در مخاطب ایجاد کند.

در ادامه، مؤلفه‌های گفتمان‌مدار موجود در متون ادبی و اشعار که با عنوان کلی «مؤلفه‌های ادبی» مشخص شده‌اند، معرفی خواهد شد.

الف) «تخصیص»

در تخصیص، برای تصویرسازی کارگزار اجتماعی تنها به افراد معدودی از یک گروه اشاره می‌شود، اما منظور اصلی کل آن گروه است:

«احساس می‌کنم که از هوای سفر سرشارم

این کاروان به زیارت آفتاب می‌رود» (هراتی، ۱۳۸۸: ۴۷).

(ب) «تعمیم»

گاهی یک ویژگی خاص به کل عوامل اجتماعی مربوط به یک گروه تعمیم داده می‌شود، در حالی که ممکن است همه این افراد این ویژگی را نداشته باشند. در واقع، نویسنده یا شاعر این ویژگی را کلیت می‌بخشد.

«چشمان سیمج خداناپرستان

به پایداری شب اصرار داشت» (همان: ۶۱).

(ج) «ایهام و ایجاز»

گاهی اعمال کارگزاران اجتماعی به گونه‌ای مبهم تصویرسازی می‌شود. بدین ترتیب که از واژگانی دویپهلو استفاده می‌شود. در واقع، منظور نویسنده معنی ظاهری و معمول آن کلمه نیست، بلکه معنایی ظریف‌تر است که خواننده با کمی دقت می‌تواند به آن دست یابد:

«همه‌مۀ عشق را می‌شنوی

اینان که در پای بیستون صف بسته‌اند

راهیان عشقند» (همان: ۴۷).

(د) «طعنه»

گاهی برای تصویرسازی کارگزاران، به بیان ویژگی‌هایی پرداخته می‌شود که درست عکس ویژگی‌های واقعی آنهاست. در این حالت، در واقع، منظور نویسنده ادبی یا شاعر کاملاً متفاوت با آن چیزی است که می‌گوید و با این عمل می‌خواهد آن ویژگی را بیشتر نمایان کند.

(ه) «تشخیص»

در این حالت، موجودات و یا حتی پدیده‌ها به صورت انسان و یا ویژگی‌های انسانی بازنمایی می‌شوند. گاهی چون نویسنده نمی‌تواند مستقیماً به کارگزار اجتماعی اشاره کند و یا قصد دارد عینیت بیشتری به ویژگی‌های آنها بخشد، موجوداتی دیگر را با ویژگی شخصی این کارگزاران بازنمایی می‌کند. گاهی نیز اعتراض‌های خود را از زبان دیگر موجودات بیان می‌کند:

«سیم‌های خاردار
 بر اندام نسیمیان
 زخم می‌بافت.
 قرآن‌های جیبی
 با حوصله گلوله‌ها
 دوخته به قلب‌ها
 و قلب‌ها
 با سنجاق ترکش‌ها
 به بشارت آسمان
 آنگاه
 سجاده مادران باران
 بر رنگین کمان فردا
 پهن می‌شد...» (رضایی‌نیا، ۱۳۸۸، الف: ۳۸).

ج) «ایجاز و خلاصه‌گویی»

در بعضی موارد، قسمتی از جمله حذف می‌شود؛ به سخن دیگر، جمله به صورت ناقص بیان می‌شود و با این کار، عملکرد کارگزاران اجتماعی به جای بازنمایی در درون جمله، با تأکید بیشتری در ذهن خواننده بازنمایی می‌شود. بدین ترتیب، نویسنده یا شاعر، ذهن خواننده را به بازسازی ادامه جمله وامی‌دارد:

«بال در بالِ هم کبوترها آسمان را سپیدتر کردند»
 (هراتی، ۱۳۷۳: ۴۷).

ه) «ضرب‌المثل و اصطلاحات»

گاهی نویسنده برای بیان منظور خویش به جای اشاره مستقیم به مسئله، از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات مربوط استفاده می‌کند و از این طریق، باعث برجسته یا کمرنگ شدن یک کارگزار اجتماعی می‌شود:

«گفتی که ما همیشه در سایه خداییم»
 (امین‌پور، ۱۳۷۵: ۵۵).

و) «توصیف»

گاه برای به تصویر کشیدن واقعیت یک مسئله، نویسنده تنها به بیان ساده آن بسنده نمی‌کند، بلکه به منظور برجسته‌تر کردن آن، به وصف آن می‌پردازد:

«آفتاب آن طرف‌تر از جنگل

خسته بود و دگر نمی‌خندید

باد آمد میان شاخه نشست

بر لبش این کلام جاری شد

جای احمد که می‌رود جبهه

جنگل دست‌ها نمایان شد» (هراتی، ۱۳۷۳: ۱۹).

ز) «تشبیه»

گاهی نویسنده یا شاعر برای تصویرسازی عوامل اجتماعی آنها را به چیزی مانند می‌کند که این کار نیز برای برجسته‌تر کردن آنها صورت می‌گیرد:

«جبهه مدرسه است...»

و امتحان نهایی شروع خواهد شد» (همان: ۲۱).

ح) «تکرار»

گاه با تکرار نام و یا اعمال کارگزاران، نویسنده یا شاعر به برجسته کردن و یا گاهی بی‌اهمیت نشان دادن آنها می‌پردازد:

«آن طرف‌تر صدای گنجشکان

جیک جیک قشنگ پیروزی است» (همان: ۴۸).

ط) «بیان آرزو»

گاهی هدف و منظور نویسنده به صورت آرزو در قالب گفتار کارگزاران بیان می‌شود که در بیشتر موارد، منظور بیان نقص‌ها و کاستی‌های اجتماعی است:

کمی دست و پای دلت باز بود

«چه می‌شد اگر مثل پروانه‌ها

از این خاک امکان پرواز بود»

به هر جا دلت خواست سر می‌زدی

(امین‌پور، ۱۳۸۷: ۸۸).

ک) «نمادآوری»

گاه نویسنده برای به تصویر کشیدن شرایط موجود، به نمادهایی از وقایع، اشخاص و اماکن گذشته اشاره می‌کند و در واقع، برای نمایان تر کردن شرایط موجود، آنها را به گونه‌ای مشابه با نمادهای قدیمی بازنمایی می‌کند:

«و جبهه مدرسه است

کلاس ما آنجاست

شتاب کن برویم که دیر خواهد شد» (هراتی، ۱۳۷۳: ۲۱).

ل) «تمایزگذاری»

گاه برای برجسته‌تر ساختن یک کارگزار اجتماعی، شخصیت و اعمال او در تقابل و یا حتی تضاد با دیگر عوامل تصویرسازی می‌شود:

«جنگ مردان مثل جنگ واقعی، جنگ با سنگ و تفنگ و چوب بود

جنگ ما مانند جنگ زرگری گرچه پُراشوب، اما خوب بود»

(امین‌پور، ۱۳۷۵: ۷۳).

م) «تداعی»

گاه نویسنده برای تصویرسازی عوامل اجتماعی، واژه‌هایی را به کار می‌گیرد که به کمک ارتباط با مسائل فرهنگی و اعتقادی، معنایی گسترده‌تر از معنای ظاهری خود را در ذهن خواننده خلق می‌کند:

«بوی گلاب و صلوات و بهشت

یاد شهیدان به خیر

هر شب جمعه

به مزار شهدا می‌روم» (رضایی‌نیا، ۱۳۸۹، ب: ۵۷).

ن) «تغییر لحن»

گاه نویسنده برای تصویرسازی کارگزاران اجتماعی و بازنمایی شخصیت و طبقه اجتماعی و یا حتی روابط قدرت میان آنها بدون اشاره مستقیم، تنها شیوه بیان و طرز سخن گفتن آنها را تأکید می‌کند:

«هفت‌بند کهنه کاکا علی،
شاهنامه‌خوانی عامو رضا،
نالهاش مثل صدای آب بود
داستانش رستم و سهراب بود»
(امین‌پور، ۱۳۶۸: ۷۰).

ش) «پرسش»

گاهی برای تصویرسازی کارگزاران اجتماعی، پرسش‌هایی درباره آنها مطرح می‌شود که هم نویسنده و هم خواننده پاسخ آنها را می‌دانند و نویسنده تنها برای جلب توجه بیشتر به موضوع، آن را مطرح می‌کند تا ذهن خواننده را برای پاسخگویی درگیر سازد:

«مادر من چه شد، چرا امروز
روسری سیاه بر تن کرد؟»
(هراتی، ۱۳۶۸: ۴۷).

ص) «طبیعت‌نمایی»

گاه نویسنده برای به تصویر کشیدن حالات و شرایط کارگزاران از مفاهیم مربوط به طبیعت استفاده می‌کند تا این حالات را برجسته‌تر بازنمایی کند:

«ابرهای کبود بی‌باران،
بال در بال هم کبوترها،
از دل آسمان سفر کردند
آسمان را سپیدتر کردند»
(همان: ۴۸).

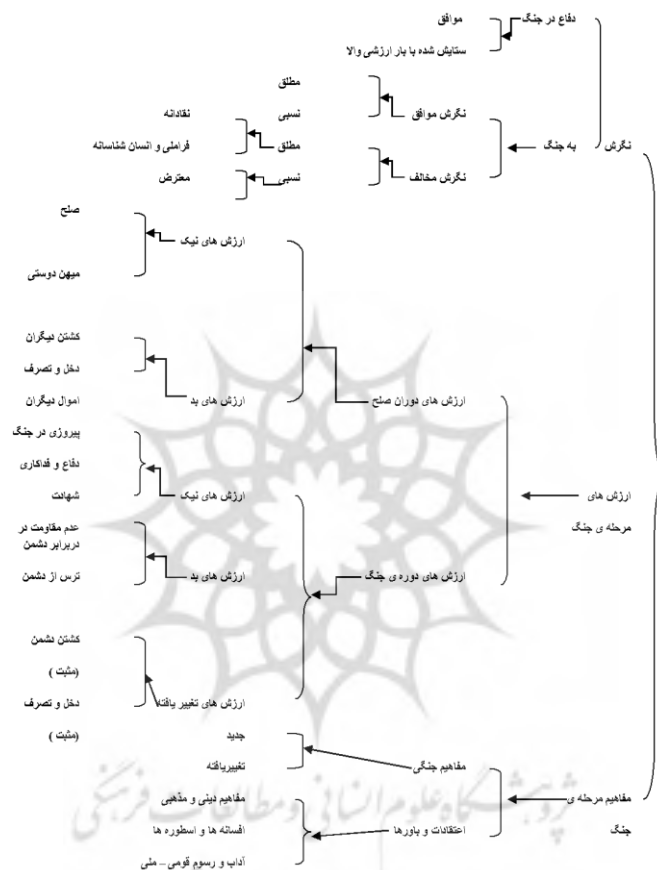
ض) «اشاره به حرکات بدنی»

گاه نویسنده منظور خود را نه از طریق گفتار شخصیت‌ها، بلکه به صورت اشاره و حرکات بدنی آنها بیان می‌کند و خواننده بر اساس این اشاره‌ها، هدف نویسنده را می‌فهمد:

«... که در پرپر شدن خندیده بودی» (امین‌پور، ۱۳۶۸: ۲۵).

در بخش بعد به ارائه عوامل و مواردی برای بررسی مفاهیم و ارزش‌های گفتمان برآمده از جنگ در شعر پرداخته می‌شود. این موارد در قالب نمودار ۱ جمع‌بندی شده است.

نمودار (۱) موارد مطرح برای بررسی و تحلیل اشعار



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

۸- توصیف مؤلفه‌های مطرح در نمودار ۱

مؤلفه‌های توصیف شده در بالا به تشریح ابعاد مختلف زبانی در بیان مسائلی می‌پردازد که به نحوی نیت و مقصود شاعر را در بحث هویت ملی، ارزش‌ها و مفاهیم برآمده از جنگ مشخص می‌کند. به طور کلی، این عوامل در سه بخش تنظیم شده است. موارد یاد شده با توجه به رویکرد و نگرش شاعران به مسئله هشت سال جنگ و دفاع تنظیم شده است.

در بخش اول و در بحث نگرش و نوع نگاه به مسئله جنگ، می‌توان گفت کسانی هستند که با زوایای دید متفاوتی به پدیده جنگ می‌نگرند. در نظر برخی، دفاع مقدّس یک فرصت خدادای برای رشد و تعالی جامعه است، در حالی که برخی دیگر جنگ را تحت هیچ شرایطی نعمت تلقی نمی‌کنند و دیدی مطلق در این زمینه دارند، از نظر آنها کشتن انسان‌ها ناخوشایند است و فکر ادامه جنگ آزاردهنده است. بنابراین، عکس‌العمل افراد جامعه نسبت به پدیده جنگ می‌تواند به شکل موافقت یا انتقاد، البته به میزان و طیف متفاوت جلوه کند. این در حالی است که برخی از شاعران با دیدی فراملی، نقادانه و به نوعی، انسان‌شناسانه به این پدیده می‌نگرند. «نگرش صلح‌طلبانه نیز برآمده از همین تفاوت در نگرش‌هاست. صلح‌طلبی واکنشی روانی نسبت به جنگ است که معمولاً پس از بروز جنگ در طبقاتی از جامعه ظهور می‌کند» (صفایی، ۱۳۸۹: ۱۹۲).

در بخش دوم این نمودار، به بررسی ارزش‌های پدیده جنگ پرداخته می‌شود. در زمان وقوع جنگ، جامعه دچار یک سلسله تغییرات اجتناب‌ناپذیر می‌شود. ارزش‌های اجتماعی به نیک و بد تغییر می‌کند. در این مرحله، بین افراد جامعه در باب نگاه به ارزش‌های دوگانه تفاوت‌هایی ایجاد می‌شود، به طوری که برخی از افراد ارزش‌های سابق را ترجیح می‌دهند و برخی دیگر به ارزش‌های مرحله جنگ و ارزش‌های تغییر یافته نظر دارند؛ به عنوان مثال، کشتن دشمن و تصرف اموال وی و نیز توجه به منافع و جنبه‌های مثبت جنگ طبیعتاً جزء ارزش‌هایی است که در حالت صلح چندان قابل توجیه نیست، اما در شرایط جنگ، همین‌ها نه تنها توجیه‌پذیر است، بلکه تبدیل به یک مفهوم ارزشی مثبت می‌شوند.

نکته سوم مورد بررسی در این نمودار، مفاهیم برآمده از جنگ است. این مفاهیم در شعر کودک و نوجوان به صورت‌های مفاهیم نمادین و عمدتاً با بازنمایی مثبت بیان شده‌اند؛ مثلاً تشبیه شهید به لاله، چراکه رنگ لاله، سرخ است و با نحوه شهادت که همان خونین شدن

است، قرابت تصویری و بالطبع قرابت معنایی پیدا می‌کند. در پدیده جنگ، مفاهیم دستخوش تغییر می‌شوند؛ مثلاً تغییر نحوه بازنمایی دوست و دشمن جزء تغییرات اجتناب‌ناپذیر در مرحله جنگ است، به طوری که در این مرحله، در معنای دشمن تفاوت‌های اساسی ایجاد شده است و دشمن به مرحله فرومایه‌ترین و خطرناک‌ترین فرد تنزل می‌یابد. در واقع، «در این مرحله ما با دو جبهه خودی و غیرخودی مواجه هستیم و در این تقابل، جامعه خودی، دوست و دشمن را به طرز افراطی و اغراق‌آمیز از یکدیگر بازشناخته، آنها را از هم تفکیک می‌کند» (صفایی، ۱۳۸۹: ۱۹۷). این مسئله در اشعار کودک و نوجوان به صورت ایدئولوژیک بروز می‌کند. برخی از مفاهیم به کار رفته در شعر جنگ، برخاسته از باورهای دینی و مذهبی است؛ به عنوان مثال، شاعر با به تصویر کشیدن واقعه عاشورا یا بیان مواردی از کربلا و دیگر حوادث مذهبی به گونه ایدئولوژیک در پی جذب ذهن مخاطب به دنبال عقیده خود است. افسانه‌ها و اسطوره‌ها مانند شخصیت امام خمینی^(۶) به عنوان یک اسطوره ملی و مذهبی در شعر شاعران کودک و نوجوان به منزله نقطه عطفی در ایجاد نگرشی دلخواه در ذهن مخاطب است و در نهایت، به کارگیری آداب و رسوم قومی و ملی نقشی تأثیرگذار در هویت بومی و ملی کودک و نوجوان و نحوه نگرش او به حوادث اجتماع دارد.

به طور کلی، برای بررسی نگرش در اشعار طبق نمودار ۱، نگرش به جنگ و مفهوم دفاع مقدس بررسی می‌گردد. نگرش به جنگ خود مقوله‌ای جدا از چگونگی نگرش به پدیده دفاع است و مفهوم دفاع نیز در جوامع گوناگون متفاوت است، چنان‌که واژه «دفاع» در کشور ما همواره با واژه «مقدس» دنبال می‌شود و این خود بیانگر ایدئولوژی نهفته در آن است. همین واژه «دفاع» برای یک غیرایرانی و مثلاً برای یک کودک فلسطینی و یا ویتنامی می‌تواند مفهوم دیگری را تداعی کند. بنابراین، با در نظر گرفتن تفاوت نگرش به جنگ و نگرش به مسئله دفاع، به طور کلی، مسئله نگرش به جنگ و به تبع آن، نگرش به دفاع به صورت دو دسته کلی یعنی نگرش موافق و نگرش مخالف مطرح می‌شود. دید افراد جامعه نسبت به جنگ و دفاع بسیار متفاوت است و این نگرش در اشعار شاعران نیز بروز کرده است.

شاعران نیز با نگاهی متفاوت به سرودن شعر می‌پردازند. دور از ذهن نیست که شاعران با دیدی موافق نسبت به دفاع در برابر پدیده جنگ شعر می‌سرایند. این ارزشگذاری با مقایسه آنچه که در دوران صلح می‌تواند ارزشمند باشد و بار ایدئولوژیک ارزشمندی که در مرحله جنگ

به وجود می‌آید و بالأخره در گفتمان‌های مختلف، به‌ویژه در شعر بروز می‌کند، به خوبی قابل بررسی و تبیین است.

در بخش بعدی به بررسی مفاهیمی می‌پردازیم که یا به دلیل پدیدهٔ جنگ به گفتمان‌ها وارد شده‌اند و مسلماً ایدئولوژی خاص خود را به دنبال دارند و یا به نوعی با تغییرات در دوران جنگ مواجه شده‌اند. به هر روی، این مفاهیم در قالب واژه‌ها و اصطلاحات به گفتمان‌ها وارد شده‌اند و سعی در نشان دادن ذهنیت خاص نویسنده و یا شاعر دارند. این مفاهیم گاه با فرهنگ دینی گره می‌خورند و در قالب واژه‌های دینی و مذهبی ظاهر می‌شوند. دین و مذهب به عنوان عاملی بسیار مؤثر در برانگیختن حس و هویت ملی و فرهنگی همواره مطرح است. دین و مذهب همانند مرز جغرافیایی باعث قرار دادن گروهی از انسان‌ها در یک مجموعه می‌شود و برای آنها اهداف، جهان‌بینی و طرز فکر مشترک تعریف می‌کند و بدیهی است که این اشتراک‌ها در عملکردی وحدت‌طلبانه تأثیرگذار باشد.

۹- تجزیه و تحلیل داده‌ها

ابتدا اشعار هر کتاب از نظر تعداد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار و نیز بررسی سه مرحلهٔ مطرح، بررسی و تجزیه و تحلیل شده‌اند. در ادامه برای اجتناب از اطناب کلام، از هر کتاب بخش‌هایی از یک یا دو شعر به عنوان مثال ذکر می‌شود تا نحوهٔ تحلیل مشخص شود، اما در تحلیل‌های آماری که با تعیین درصد و نیز نگاهی کلی به تحلیل‌ها در قالب جدول‌هایی ارائه می‌شوند، همهٔ شعرهای بررسی شده لحاظ شده‌اند.

۱۰- بررسی مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در اشعار

در این بخش، پس از توصیفی کوتاه از هر مجموعه شعر، شاعر و موضوع آن به تحلیل مؤلفه‌های آن پرداخته می‌شود و در نهایت، نتایج این بررسی‌ها ارائه می‌گردد.

۱-۱۰) مجموعه شعر به قول پرستو

مجموعه شعر به قول پرستو اثر زنده‌یاد قیصر امین‌پور است که مناسب برای نوجوانان سروده شده است. این کتاب مجموعه‌ای از شرح تجارب فردی و یا در باب موضوع‌هایی است که بر جامعهٔ گسترده‌تری تأثیر می‌گذارد و جنگ از جمله موضوع‌های بسیار پُررنگ اجتماعی است که در این کتاب، بخشی را به خود اختصاص داده است. این مجموعه شعر به دلیل محتوا و تناسب

موضوع و مخاطب، برنده دیپلم افتخار از سوی ششمین جشنواره کودک و نوجوان کانون پرورش کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۷۶ است.

۲-۱۰ شعر «اتفاق ساده»

«در آن نوشته بودی

حال تو خوب است

گفتی که سنگر ما

در جبهه جنوب است» (امین پور، ۱۳۷۵: ۸۶)

(سنگر، جبهه: مفاهیم جنگی / ما: وحدت ملی).

در این نمونه، شاعر با بیان واژه‌های مرتبط با موضوع جنگ، فضای آن را برای مخاطب خود به صورت روان تری تصویر می‌کند. در تمام بندهای این شعر، واژه ما به کار برده شده است، در صورتی که شعر در مورد پدری است که در جبهه و در حال جنگ است و خانواده‌اش در حال خواندن نامه‌ای از جانب او هستند، شاعر با به کار بردن واژه ما وحدت ملی را به صورت نهادین بیان می‌کند. در واقع، شاعر خود نیز این کار را ناخودآگاه و در عین حال، با ظرافتی خاص بیان می‌کند. افراد در حال دفاع در جبهه همگی ما هستند و همه جزئی از یکدیگرند. بنابراین، با به کار بردن واژه ما به این اتحاد دامن می‌زند. شاعر در جمله «در آن نوشته بودی: حال تو خوب است» نمونه‌ای از ایثار و فداکاری را در مدافعان جبهه نشان می‌دهد. آنها با تمام مصائب در جبهه خوب هستند و این خود نوعی ارزشگذاری محسوب می‌شود؛ ارزشی که نیک و پسندیده به شمار می‌آید و بیانگر گذشت و فداکاری در آن دوران است. در این بند، شاعر از واژه «جبهه» استفاده می‌کند. «جبهه» مفهومی است که در دوران جنگ بیشتر رواج یافت. این واژه به معنای «سو»، «طرف» و «جهت» است، ولی در دوران جنگ و بعد از آن، به صورت ظریفی معنایی مفهومی تر گرفته، تقدس یافته است. همین روند برای واژه «سنگر» نیز قابل تعمیم است. شاعر با کاربرد واژه «جبهه» به مخاطب نوعی تقدس و ارزشگذاری را انتقال می‌دهد و با کاربرد واژه «سنگر»، امنیت و پناه را یادآور می‌شود. حضور در جبهه، معنای عمیق دیگری را منتقل می‌کند و آن تقدس این حضور است. شاعر در این بخش از شعر خود، با کاربرد ظریف واژگان مربوط به جنگ، منظور خود را می‌رساند.

۳-۱۰ شعر «طرحی برای صلح (۳)»

«شهیدی که بر خاک می خفت
 سرانگشت در خون می زد و می نوشت
 دو سه حرف بر سنگ:
 به امید پیروزی واقعی
 نه در جنگ
 که بر جنگ» (همان، ۱۳۸۷: ۱۷).

(شهید: فعال سازی / بیان آرزو).

در این نمونه نیز همانند بالا، شاعر به بیان دیدگاه خود در مخالفت با جنگ می پردازد و با آوردن تلفیقی ملموس از آرزوی شهید و هدف او در شهید شدن، به مرحله شهادت در جنگ ارزش می بخشد و شهید را به صورت نیروی فعال در جنگ و شهادت معرفی می کند. پیروزی بر جنگ، آرمان اصلی او می شود و این آرمان در شعر قیصر امین پور جلوه کرده است. چنین شعری به سبب تصویرگری هنرمندانه و متناسب با نیاز جامعه بشری به صلح، برای مخاطب خود، روان و ساده سروده شده است. شاعر از زبان شهید که در واقع، نماد ایثار و فداکاری است، به بیان آرزو می پردازد که در عبارت «به امید...» این مسئله مشخص است.

۴-۱۰ مجموعه شعر مثل چشمه، مثل رود

مثل چشمه، مثل رود شامل بیست شعر برای نوجوانان در قالب های چهارپاره، غزل، مثنوی، دوبیتی و نو نیمایی است. تاریخ چاپ اول این کتاب، سال ۱۳۶۸ است، اما تاریخ سرودن بیشتر شعرها در سال های دفاع مقدس است. در این مجموعه، علاوه بر شعرهایی با مضامین طبیعت، روستا، مدرسه، امام، فلسطین، چهار شعر به دفاع مقدس مربوط می شود. در اشعار دیگر نیز رد پای جنگ و دفاع مقدس به صورت غیرمستقیم پیداست؛ به عنوان مثال، شعر دریای آزاد از همین نمونه هاست که در ادامه به بررسی آن پرداخته می شود.

۵-۱۰ شعر «دریای آزاد»

«در قفس، دریا نمی گنجد زانکه کار موج پرواز است

ما همان دریای آزادییم دشمن ما آن قفس‌ساز است»
(همان: ۱۲۶).

(قفس: مکان‌مداری/ دشمن: نقش‌دهی؛ فعال‌سازی).

در این نمونه، دشمن به صورت نیرویی فعال و به صورت منفی تصویرسازی می‌شود. شاعر به مخاطب خود می‌گوید هرچند که دشمن قفس‌ساز است، اما با اشاره به عبارت «ما همان دریای آزادییم»، بار دیگر به هویت ملی اشاره می‌کند و با این جمله، بیانی تأثیرگذار برای مخاطبش خود به جا می‌گذارد و وحدت و یگانگی ملی را در او بیدار می‌کند. استفاده از ضمیر اول شخص جمع در تمام اشعار مربوط به جنگ، برانگیزاننده حس و هویت ملی است.

۱۱- مجموعه شعر از این ستاره تا آن ستاره

از این ستاره تا آن ستاره عنوان مجموعه شعری از زنده‌یاد سلمان هراتی است که سوره مهر آن را منتشر کرده است. این مجموعه شعر مناسب برای گروه سنی کودک و نوجوان است. سلمان هراتی جزو پانزده شاعر برتر جنگ در سال ۱۳۷۹ شناخته شده است.

۱-۱۱ شعر «امتحان نهایی»

«و جبهه مدرسه است

کلاس ما آنجاست

شتاب کن برویم که دیر خواهد شد

تفنگ را بردار

امام می‌آید

و امتحان نهایی شروع خواهد شد».

(امام: فعال‌سازی/ کلاس ما: مکان‌مداری؛ نمادآوری؛ تشبیه؛ تخصیص).

در این شعر، شاعر با نگرشی کاملاً موافق نسبت به دفاع در پدیده جنگ سخن می‌گوید و شرکت در جنگ را یک ارزش معرفی می‌کند، این ارزش‌گذاری در ذهن مخاطب با تشبیه جنگ و حضور در آن به امتحان نهایی برجسته‌تر می‌شود. شاعر با استفاده از مؤلفه تخصیص تنها با مخاطب قرار دادن خود خواننده منظور خود را در ذهن خواننده القا می‌کند. در واقع، منظور شاعر همه فرزندان ایران است و شاعر در عبارت «کلاس ما آنجاست» به مفهوم وحدت و

یگانگی در جنگ دامن می‌زند. نقش امام با بازنمایی فعال و پویا به عنوان یک اسطوره معرفی می‌شود. در این شعر، «جبهه» نمادی از جنگ است و تفنگ نمادی از ابزار جنگ، شاعر با کاربرد مستقیم این دو واژه نگرش موافق خود را بیان می‌کند. کاربرد واژه «تفنگ» به جای دیگر کلمات هم‌معنای خود بیانگر جدیت شاعر در مقابله و رویایی با دشمن است.

۱۲) مجموعه شعر از آسمان سبز

۱-۱۲) شعر «از بی خطی تا خط مقدم»

«همه‌هه عشق را می‌شنوی

اینان که در پای بیستون صف بسته‌اند

راهیان عشق‌اند» (هراتی، ۱۳۸۸: ۲۷).

(اینان: نمادین‌شدگی / ایهام).

بیستون کوهی است که بر اساس افسانه‌ها و اسطوره‌ها، به دست فرهاد تراشیده می‌شود. فرهاد این کار را به خاطر سرگشتگی در عشق شیرین و به خواست خسرو پرویز انجام می‌دهد. در این بند، کارگزاران اجتماعی به صورت اسطوره‌ای بازنمایی شده‌اند. در واقع، «اینان» به رزمندگان اشاره می‌کند که راهی سفری هستند که فقط عاشقان از پس آن برمی‌آیند. «بیستون» و «راهیان عشق» ایهامی ظریف از عشق فرهاد و بیستون کردن اوست.

۲-۱۲) شعر «غنچه نرگس»

«انتظار سهم ماست

اعتراض نیز

ما ظهور نور را به انتظار

با طلوع هر سپیده آه می‌کشیم» (همان: ۳۹).

(ما: وحدت ملی / انتظار: نمادآوری / ظهور نور: تشخیص).

در این بند، شاعر پیروزی را انتظار می‌کشد و آن را با توجه به اعتقادات مذهبی خود و خواننده، به انتظار ظهور امام زمان (عج) نسبت می‌دهد. واژه «انتظار» مفهومی بسیار گسترده‌تر را در ذهن مخاطب تداعی می‌کند؛ انتظاری که برای آمدن یک فرد است و در پی آن عدل و پاکی

نیز به دنبال خواهد داشت. در عبارت دوم، شاعر فعل را به قرینه لفظی حذف می‌کند و بدین سان، با تغییری جزئی تأکید خود بر جمله را افزایش می‌دهد. انتظار نه تنها تداعی‌کننده، که نمادی از صبر برای فتح و پیروزی نیز هست. ظهور نور در اینجا تشخیصی از فردی است که شاعر به انتظار اوست و برای برجسته‌تر کردن او، از این مؤلفه بهره گرفته است.

۱۳- مجموعه شعر فرشته بفرستید

مجموعه شعر فرشته بفرستید اثر عبدالرضا رضایی نیا است که در حیطه شعر جنگ و دفاع مقدس برای نوجوانان سروده شده است. این اثر از سوی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به عنوان اثر برگزیده دومین جشنواره انتخاب کتاب سال دفاع مقدس برای کودکان و نوجوانان معرفی شده است.

۱۳-۱) شعر «فرشته بفرستید»

«خاکریزها»

عاشقانه

به سجده می‌روند

و شتک خون بر رؤیا

از پلک درمی‌گذرد» (رضایی نیا، ۱۳۸۹، الف: ۸۵).

(خاکریز: عینی کردن، مکان‌مداری؛ تشخیص؛ تداعی).

عینی کردن حالتی است که کارگزاران اجتماعی با مکان و ابزاری که با فعالیت آنها ارتباط دارد، گفته می‌شود و یا با اشاره به اندام آنها تصویرسازی می‌شوند. در این بند از شعر، شاعر واژه «خاکریز» را به جای رزمندگان به کار می‌برد و در واقع، عامل را از طریق مکانی که در آن قرار دارد، معرفی می‌کند. به سجده رفتن خاکریز با استفاده از مؤلفه تشخیص برجسته‌تر شده است. سجده رفتن تداعی‌کننده باور دینی شاعر و مخاطب است که در آن انسان به درگاه خداوند سجده می‌کند.

۱۳-۲) شعر «در ازدحام گل سرخ»

«سیم‌های خاردار»

بر اندام نسیمیان

زخم می‌بافت» (همان: ۴۳).

(سیم‌های خاردار: ابزارمداری/ نسیمیان: فشرده‌شدگی؛ ارزش‌دهی؛ تشخیص).

«سیم‌های خاردار» در واقع، بازنمایی عینی از دشمن است که به صورت ابزارمداری ترسیم شده است و «نسیمیان» که اشاره به رزمندگان دارد، در حال عبور از سیم خاردارهایی که دشمن مسبب ایجاد آنهاست، زخمی می‌شوند. سیم خاردار جزء مفاهیم تغییریافته در مرحله جنگ است.

۱۴- مجموعه شعر کوچۀ باران

مجموعه شعر کوچۀ باران نیز اثر عبدالرضا رضایی نیا است که به عنوان اثر قابل تقدیر جشنواره ربع قرن دفاع مقدّس در زمینه شعر کودک و نوجوان انتخاب شده است. منظومۀ «کوچۀ باران» شکل گرفته از چهارده شعر پیوسته از زبان رزمندۀ نوجوان دیروز، برای نوجوان امروزی است. «کوچۀ باران»، «جنگ»، «لانه سرخ»، «دشمن»، «راهی»، «خط مقدم»، «سنگر لاله‌ها»، «شب رنگین کمان»، «گل زخم»، «بیمارستان مهر»، «مثل کبوتر»، «روزها»، «شب جمعه» و «یاد» چهارده عنوان اشعار کتاب می‌باشد. اشعار کتاب بر اساس مرور و بازخوانی خاطره روزهای دفاع مقدّس شکل گرفته است و علاوه بر این، حسّ و حال آن روزها را به نسل امروز انتقال می‌دهد. در این مجموعه، شاعر سعی کرده است از آغاز جنگ و دفاع از میهن تا پایان آن و یاد شهدا را با اشعار به هم پیوسته‌ای نشان دهد.

«باغ پُر از خون گل و ضجۀ گنجشک‌ها

خانه فروریخته در موج درد

چشمه لبخند پدر توی قاب مات نشد

قرآن آشنا برگ - برگ

آسمان شد کبود،

شهر پُر از درد و دود

آینه همراه دل من شکست» (همان، ب: ۴۰).

(خانه: عینی‌سازی؛ مکان‌مداری/ پدر: هویت‌دهی؛ توصیف؛ نمادآوری).

عبدالرضا رضایی‌نیا در این قسمت از شعر، کمی پا را فراتر از شعر نوجوان گذاشته است و به توصیف شرایط بمباران می‌پردازد، اما چنان به این توصیف رنگ و بویی شاعرانه می‌دهد که شاید ترسیم شرایط را برای مخاطب دشوار می‌سازد. واژه «خانه» عینیتی از افراد اهل آن خانه است و واژه «پدر» در اینجا هویت‌دهی شده است و واژه‌هایی مانند «باغ» و «ضجّه گنجشگ‌ها» به صورت نمادین به کار برده شده‌اند.

۱۵- تحلیل کیفی نتایج

در این بخش، به بررسی کیفی اشعار، بعد از نگرش با توجه به موارد مطرح شده در نمودار ۱ پرداخته می‌شود.

۱۵-۱) بررسی کیفی اشعار قیصر امین‌پور

قیصر امین‌پور در مجموعه شعر به قول پرستو با استفاده از زبانی کودکانه و سلیس از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی، ادبی و معنایی بهره می‌برد و با استفاده از این مؤلفه‌ها، نگرش خود به جنگ را مشخص می‌سازد. در سطح واژگانی، شاعر از واژگان و اصطلاحات خاصی برای به تصویر کشیدن فضای مورد نظر استفاده می‌کند. شاعر با استفاده از سطح واژگانی، نگرشی نقادانه و فراملی از جنگ به دست می‌دهد. شاعر، جنگ و به دنبال آن اسارت و مشکلات آن را نقد می‌کند و با استفاده از پرسشی که پاسخ آن واضح است، نگرش خود را برجسته‌تر می‌کند. او در همین شعر با تکرار پرسش‌های خود، منتقدانه‌تر به موضوع می‌نگرد و در نهایت، این مسئله‌سازی را به مخاطب خود نیز ارجاع می‌دهد. امین‌پور کمتر به موافقت با جنگ پرداخته است و در ترسیم فضای جنگ، گاه پا را فراتر از محدوده مخاطب خود گذاشته است و بازنمایی تلخی از فضای جنگ ارائه می‌دهد. او از تلخی‌ها و سختی‌ها و مصیبت‌های جنگ می‌گوید و با ترسیم جزئیات نگرش نقادانه خود به مسئله جنگ را بیشتر و بیشتر برجسته می‌کند. قیصر امین‌پور با تأکید بر ارزش‌های متعلق به جنگ، در مثال‌های متعددی ارزش‌های پسندیده در مرحله جنگ را ذکر می‌کند:

«در گوششان کلام امام است

فتوای استقامت و ایثار» (امین‌پور، ۱۳۸۷: ۳۸۲).

او ایثار و از خودگذشتگی در جنگ را با ارزشگذاری مثبت ترسیم می‌کند. او به شهادت به عنوان ارزش والای جنگ نگاه می‌کند و در بسیاری از اشعار خویش، شهادت را منشاء حقیقت‌طلبی و آگاهی معرفی می‌کند.

در شعر امین‌پور، لاله واژه‌ای است که در مرحله جنگ با مفهوم «شهید» قرابت معنایی و تصویری پیدا کرده است. «آزیر قرمز» از جمله اصطلاحاتی است که در مرحله جنگ به وجود آمد و بیانگر شرایط ویژه‌ای بود که طی آن، وضعیت بحرانی‌تر می‌شد. اصطلاح «وضعیت خطر» نیز از مفاهیم به وجود آمده در مرحله جنگ است. از جمله مفاهیم تغییر یافته در شعر او می‌توان به نمونه زیر اشاره کرد که در آن، مفهوم دشمن بسیار خطرناک و با بازنمایی بسیار منفی ترسیم شده است:

«خفاش‌های وحشی دشمن،

حتی ز نور روزنه بیزارند» (همان: ۳۸۳).

شاعر با استفاده از فرهنگ ملی و قومی خود به ترسیم فضای مورد نظر می‌پردازد و از گذشته‌هایی که بسیار دلنشین و ساده بودند، برای برجسته‌تر کردن نامطلوبی شرایط موجود در مرحله جنگ بهره می‌جوید.

۱۵-۲) بررسی کیفی اشعار سلمان هراتی

سلمان هراتی در بُعد نگرش به جنگ، اشعار خویش را با نگرشی موافق با دفاع برای حفظ میهن پی می‌گیرد. او با ارزشگذاری به مسئله حضور و شرکت در جنگ از مفاهیم نظامی مانند «تفنگ» و «جبهه» در شعر خود بهره می‌گیرد و نگرش خود را برجسته‌تر می‌سازد و با ذکر واژه «امام» به عنوان یک اسطوره ملی و مذهبی، به ارزشگذاری مثبت بیشتر اصرار می‌ورزد. سلمان هراتی نگاه موافق خود را با ارزشگذاری‌های پی‌درپی به دفاع و مقابله با جنگ دنبال می‌کند تا در شعری مانند زیر، این گونه نمود می‌یابد:

«از من به جز تفنگ نخواه؛

زیرا معلم فرمانده من است

سنگر، کلاس ماست» (هراتی، ۱۳۷۳: ۶۷).

به کارگیری مضامین و واژگان جنگی در اشعار سلمان هراتی موج می‌زند. او با کاربرد هدفمند این مضامین به برجسته کردن مسئله جنگ می‌پردازد و در اشعار مختلف، شهادت را با ارزشگذاری بسیار پسندیده و مثبت بازنمایی می‌کند و آن را حقیقتی والا معرفی می‌نماید. در نظر او، شهادت مفهومی ارزشمند است که با واژه‌های نمادین مشخص‌سازی می‌شود. در شعر سلمان هراتی، قلمرو نمادگرایی بیشتر از طبیعت اطراف انتخاب شده‌اند و پنجره‌ای از محیط پیرامون را فرا روی خواننده می‌گشایند. این نمادها در بیشتر موارد با حساسیت خاص استخدام شده‌اند که در یک بُعد خود، وابسته به محیط هستند و در بُعد دیگر خود، با مفاهیم دیگری همانند مفاهیم عرفانی، آسمانی و مقدس ارتباط برقرار می‌کنند. از این دست از نمادها، می‌توان به نمادهایی چون «ستاره و نور»، «باغ و باغبان»، «خورشید و پرواز» در شعر سلمان هراتی اشاره کرد.

۱۵-۳) بررسی کیفی اشعار عبدالرضا رضایی نیا

در شعر عبدالرضا رضایی نیا، دشمن از زمین، هوا و دریا حمله می‌کند، صدای شلیک گلوله شنیده می‌شود، خانه‌ها بر اثر انفجار بمب ویران می‌گردند، کسانی در جبهه و پشت جبهه جان می‌سپارند و هر روز تابوت‌هایی پیچیده در پرچم روی دست‌ها در حرکت است. شاعر با ترسیم فضایی نامساعد به مسئله جنگ می‌پردازد، آثار جنگ را در بی‌خانمانی، ویرانی و تنهایی برمی‌شمرد، ترسیم این فضاها با استفاده از شعر در واقع، بیانگر نگاه شاعر به پدیده جنگ است. او با دیدی نقادانه به این پدیده می‌نگرد و با برشمردن آثار مخرب آن، در جای جای اشعار خود نگرش انسان‌شناسانه خویش را برجسته‌تر می‌کند.

شاعر در شعر خود زمان فعل‌ها را از حال به گذشته برمی‌گرداند و بی‌آنکه صدای بمب و موشک را نشان دهد، به ستایش دلیری و قهرمانی رزمندگان و سرزنش دشمن می‌پردازد. در این مرحله، شاعر به بیان ارزش‌های برآمده از جنگ می‌پردازد؛ ارزش‌هایی که پس از جنگ به جا مانده است. او با کاربرد افعال گذشته، مخاطب خود را به گذشته می‌برد و با ابراز احساس دلتنگی، به این ارزشگذاری پسندیده می‌افزاید. او با کاربرد واژه‌های نمادین و واژه‌هایی که بار معنایی دوجندان دارند، از جنگ و دوران مربوط به آن می‌گوید و ذهن مخاطب خود را برای پذیرش ارزش‌های پسندیده آن دوره و دوره کنونی آماده می‌کند.

۱۶- بررسی مفهوم هویت ملی در اشعار مورد بررسی

هویت ملی عبارت از مجموعه خصایص و ارزش‌های مشترک یک ملت مستقل است که افراد آن ملت نسبت بدانها آگاهی یافته‌اند و به واسطه آنها به یکدیگر احساس تعلق می‌کنند. در تعریف هویت آمده است: «هویت از مفاهیم بنیادین علوم اجتماعی، به‌ویژه جامعه‌شناختی و فرهنگی است و می‌توان آن را به معنی چیستی و در پاسخ به پرسش ماهیت دانست» (لک، ۱۳۸۴: ۱۱۳). منوچهر لک نقل می‌کند که اندیشمندان حوزه‌های متفاوت، سطوح مختلفی از هویت را طرح کرده‌اند؛ به عنوان مثال، روانشناسانی مانند پیاز، کولبرگ، فروید و اریکسون اساس تکوین هویت انسان را در مراحل مختلف رشد او می‌دانند و معتقدند که شناخت نادرست از هویت یا اختلال در یکی از مراحل رشد، نوعی هویت‌پریشی و تعویق روانی - اجتماعی و اختلال در شخصیت ایجاد می‌کند. در این تعریف، هویت از سطح فردی آغاز می‌شود و با عبور از لایه‌های اجتماعی در احساس هویت ملی که عالی‌ترین سطح هویت می‌باشد، به تکامل می‌رسد. در نگاه جامعه‌شناختی، هویت همان احساسی است که در فرد در متن جامعه به وجود می‌آید و با تکیه بر اشتراک‌ها و یا تفاوت‌هایی که با گروه‌های دیگر دارد، به درک احساس هویت مستقل می‌رسد. در این تعریف، افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود، از افراد و گروه‌های دیگر متمایز می‌شوند. عناصر دخیل و برجسته در هویت ملی را می‌توان اعتقادات و باورهای مذهبی، مفهوم سرزمین و میهن (وطن) و مسائل تاریخی و فرهنگی برشمرد که در اشعار مورد بررسی نیز به کرات استفاده شده‌اند.

۱۷- تحلیل کمی نتایج

در این بخش، نتایج تحلیل‌های آماری در قالب جدول‌های ۱ و ۲ به صورت زیر ارائه می‌شود:

جدول (۱) مقایسه اشعار از نظر نگرش شاعران به مسئله جنگ

شاعر	نگرش موافق		نگرش مخالف	
	مطلق	نسبی	معارض	صلح طلبانه و انسان شناسانه
قیصر امین پور	-	-	*	*
سلمان هراتی	-	-	*	
عبدالرضا رضایی نیا	-	-	*	*

در باب مسئله ارزش‌های مرحله جنگ به تحلیل آماری مؤلفه‌ها پرداخته شده است، بدین گونه که ابتدا ساختارهایی که به نوعی پدیده جنگ را از سه منظر خوب، بد و تغییر یافته ارزشگذاری می‌کردند، شناسایی گردید و آنگاه شمارش شدند و تعداد این ساختارها با توجه به واحدهای پایانی، در هر مجموعه شعر به صورت درصد تعیین شد. سپس این درصدها به منظور مشخص سازی دقیق و بهتر در سه مقیاس زیاد، متوسط و کم برای حد استفاده از آنها درجه بندی گردید. هانت (Hunt؛ ۱۹۷۰) واحد پایانی را این گونه تعریف می‌کند: «هر واحد پایانی عبارت است از جمله‌واره اصلی به اضافه جمله‌واره پیرو و یا ساخت‌های غیر جمله‌واره‌ای که به آن چسبیده است و یا درون آن جای گرفته است». بر اساس این تعریف، هر جمله مرکب یا ساده یک واحد پایانی محسوب می‌شود (به نقل از؛ یارمحمدی، ۱۳۸۹: ۴۸). با توجه به اینکه متون مورد مطالعه در این پژوهش از نوع شعر می‌باشند و با توجه به تفاوت‌های جملات در اشعار و نیز با توجه به تعریف واحد پایانی در الگوی هانت، برای تعیین واحد پایانی در شعر، هر بند شعری به عنوان یک واحد در نظر گرفته شد. در هر بند شعری، شاعر می‌کوشد تا منظور و مفهوم خود را با تمام خصوصیت‌های شعری، مانند جابجایی افعال، تقدّم مسند، تقدّم صفت، تقدّم مضاف و یا هر تغییر دیگری لحاظ کند. بنابراین، می‌توان گفت هر بند در شعر می‌تواند به گونه‌ای متشکل از جمله مرکب هم‌پایه یا پیچیده‌ای باشد که دچار تغییرهایی در جایگاه فعل و دیگر موارد نحوی شده است.

با توجه به تفاوت حجم کتاب فرشته بفرستید اثر عبدالرضا رضایی نیا، به منظور همسو کردن و نیز یکدست بودن مطالب مورد تحلیل، اشعار و منظومه‌هایی از این کتاب به صورت

تصادفی انتخاب شد. انتخاب تصادفی اشعار تا آنجا که با دیگر کتب به لحاظ حجم یکدست شود، ادامه یافت.

جدول ۲) مقایسه اشعار از نظر ارزش‌دهی به مسئله جنگ با توجه به تحلیل مؤلفه‌ها

نام مجموعه شعر	تعداد واحد پایانی	بسامد مؤلفه‌های ارزش‌دهی	درصد
به قول پرستو	۱۱۲	۲۷	۲۴.۱
مثل چشمه، مثل رود	۷۲	۱۸	۲۵
از این ستاره تا آن ستاره	۱۹۲	۵۲	۲۷.۰۸
از آسمان سبز	۱۳۱	۳۹	۲۹.۷۷
کوچه باران	۱۰۸	۷۴	۶۸.۵۱
فرشته بفرستید	۹۴	۶۸	۷۲.۳۴

درصد این مؤلفه در اشعار این سه شاعر نشان می‌دهد که ارزش‌دهی به مسئله جنگ چقدر در طول زمان دچار تغییر شده است و چه میزان این ارزش‌گذاری روند تصاعدی داشته است. البته با توجه به موقعیت‌های مختلف شرایط جنگ و بعد از آن، می‌توان گفت که در اشعار هم‌دوره با جنگ، بیشتر اشعار بار شاعری داشته‌اند و مسئله ارزش‌گذاری با نوعی بیان صریح به مسائل برخاسته از جنگ پیوند داشته است. بر این اساس، شعر سلمان هراتی به عنوان یک شاعر هم‌دوره با جنگ، در ارتباط با مسائل و رخدادهای جنگ لحن شاعری داشته است. او در شعر خود به شهادت و جنگیدن یعنی دو عمل همسو با دوره جنگ بسیار پرداخته است و آنها را بسیار ارزش‌گذاری کرده است. شعر قیصر امین‌پور نیز از این لحن شاعری جدا نیست و در اشعار او، پرداختن به این مسائل بسیار پررنگ است، اما این موضوع به اشعاری برمی‌گردد که متقارن با جنگ است و هر چه از سال‌های جنگ فاصله می‌گیریم و به اشعار بعدتر او نگاه می‌اندازیم، مشخص می‌شود که این ارزش‌گذاری تغییر کرده است و ابعاد بیشتری را در بر می‌گیرد. امین‌پور با لحن شاعری همسو با دوره جنگ و هم با لحن تغییرپذیر پس از آن به مسائل مرتبط با جنگ با بار ارزشی مثبت نگریسته است. عبدالرضا رضایی‌نیا در شعر خود، بیانی دیگر را برای ارزش‌گذاری به مسائل برخاسته از جنگ آشکار می‌کند. او با نگاهی وسیع‌تر به ابعاد مختلف جنگ و شرایط برخاسته از آن در دوره‌ای که دیگر از حس برانگیختن افراد و

لحن شعاری خبری نیست، ارزشگذاری را به جنبه‌های مختلف نسبت می‌دهد. در این میان، درصدها بیانگر تفاوت کلام شاعر در پرداختن به این موضوع است.

نتیجه‌گیری

اشعار قیصر امین‌پور در دو مجموعه‌شعر از او بررسی شد. در مجموعه شعر *به قول پرستو* شاعر با زبانی روان و مناسب برای مخاطب خود سخن می‌گوید و در این میان، از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی و مؤلفه‌های ادبی بهره می‌گیرد. در این کتاب، مؤلفه‌های ادبی بیشترین سهم را به خود اختصاص می‌دهند و شاعر با بهره‌گیری از آنها و با کودکانه‌گویی، نگرش صلح‌طلبانه خود را به جنگ بازنمایی می‌کند و با نگاهی فراملی به مسئله روابط میان انسان‌ها، مخاطب خود را به چالش می‌کشد. در این مجموعه‌شعر، امین‌پور با طرح پرسش‌های فراوان از بدیهیات، ذهن مخاطب خود را به سمت و سوی منظور خود سوق می‌دهد. در مجموعه‌شعر *مثل چشمه مثل رود*، شاعر کمی از بُعد کودکانه‌گویی خارج شده است و مرز بین شعر نوجوان و بزرگسال را در هم می‌شکند، اشعار کمی پیچیده‌تر می‌شود و شاعر با طرح حقایق تلخ از جنگ، زبان به اعتراض می‌گشاید و برای اتمام آن، شعر می‌سراید. او مخاطب خود را با توصیف پدیده‌های مراحل جنگ با خود همراه می‌سازد و بر نگرش نقادانه خود تأکید می‌ورزد. در هر دو مجموعه‌شعر، شاعر به ارزش‌های برآمده از جنگ ارج می‌نهد و آنها را در طیف گسترده‌ای با بار ارزشی مثبت بازنمایی می‌کند. در باب مفاهیم به‌کار برده شده، قیصر امین‌پور از مفاهیم جدید در مرحله جنگ و نیز مفاهیم تغییریافته برای بازگویی جنگ بهره می‌گیرد تا به این پدیده، ملموس‌تر نگریسته شود.

در اشعار سلمان هراتی، با دو مجموعه‌شعر *از این ستاره تا آن ستاره* و *از آسمان سبز*، مسئله طبیعت‌نمایی و تمثیل به خوبی یافت می‌شود. در اثر نخست، شاعر زبانی روان و مناسب با مخاطب خود به کار می‌برد و با تشبیه پدیده‌های جنگ به طبیعت بازنمایی برجسته‌تری از آنها به دست می‌دهد. مسئله استفاده از واژه‌های نمادین در شعر او موج می‌زند و شاعر با استفاده از واژه‌هایی با بار ارزشی پسندیده، مسائل جنگ را به خوبی ارزش‌دهی می‌کند. مسئله «از جان گذشتگی در راه وطن و شهادت» در اشعار او بسیار جلوه می‌کند و شاعر با تمثیل‌های فراوان به این موضوع می‌پردازد. نگرش شاعر به جنگ، نگرشی اعتراضی همراه با توافق به مسئله جنگیدن برای احیای حق است. او با دید دفاع در راه وطن و ارزش‌دهی به این مسئله،

برای مخاطب خود شعر می‌سراید و در قسمت‌های مختلفی از شعر خویش به طور ضمنی یا مستقیم به بیان دیدگاه خود می‌پردازد. سلمان هراتی با مفاهیم نمادین و ذکر اسطوره‌های دوران جنگ و پس از آن، بر برجسته کردن نگرش خود تأکید می‌ورزد. نگاه شاعر در نگاهی ارزشمند به جنگ و هر چیز برآمده به آن گره می‌خورد و در مجموعه شعر *از آسمان سبز*، بسیار پُررنگ‌تر و با زبانی مفهومی‌تر بروز می‌کند.

اشعار عبدالرضا رضایی‌نیا در دو مجموعه شعر *فرشته بفرستید* و *کوچه باران* مورد بررسی قرار گرفت. داده‌های حاصل از تحلیل، بیانگر زبان پیچیده و بسیار نمادپرداز شاعر در اشعار وی است. گره زدن مسائل جنگ با مسائل عرفانی و معنوی، آن هم با زبانی نمادین، درک شعر را برای مخاطب نوجوان گاه با دشواری همراه می‌سازد. شاعر با استفاده از توصیف، تأثیرهای مخرب جنگ و نتایج دردناک و اسف‌بار جنگ، نگرش نقادانه خود را به این پدیده تشریح می‌کند. توصیف سلسله‌وار صحنه‌های مختلف جنگ و نمادپردازی در اشعار او، نگرش او را برجسته‌تر می‌کند. رضایی‌نیا در شعر خود با استفاده از مؤلفه‌های مختلف به مسئله ارزش‌دهی به مسائل برآمده از جنگ تأکید می‌کند و نگاه شاعر به جنگ و پدیده‌های آن نگاهی متافیزیکی است.

منابع و مآخذ

- آشوری، داریوش. (۱۳۷۷). «گفتار و گفتمان». *راه نو*. سال اول. شماره ۷. ص ۲۰.
- آفاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۶). «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات». *ادب پژوهی*. سال اول. شماره ۱. صص ۱۷-۲۸.
- _____ . (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی، تکوین و تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- امین‌پور، قیصر. (۱۳۷۵). *به قول پرستو*. تهران: نشر افق.
- _____ . (۱۳۶۸). *مثل چشمه مثل رود*. تهران: سروش.
- حسینی، شهید قلی. (۱۳۷۹). *تجزیه و تحلیل گفتمانی و متنی غزلیات ترکی مآذون قشقایی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. شیراز: دانشگاه شیراز.
- خسروی نیک، مجید و لطف‌الله یارمحمدی. (۱۳۸۰). «شیوه‌ای در تحلیل گفتمان و بررسی دیدگاه‌های فکری - اجتماعی». *مجله نامه فرهنگ*. شماره ۴۲. صص ۱۷۳-۱۸۱.

- خلیلی، مهسا. (۱۳۸۴). *تحلیل کلام انتقادی متن کتاب فارسی مقطع دبستان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران.
- دوانگرزاده، گلناز. (۱۳۷۸). *بازنمایی کارگزاران اجتماعی در کتب Interchange: تحلیل انتقادی گفتمان با عنایت به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. شیراز: دانشگاه شیراز.
- رضایی‌نیا، عبدالرضا. (۱۳۸۹). الف. *فرشته بفرستید*. تهران: انتشارات سپیدرود.
- _____ . (۱۳۸۹). ب. *کوچه باران*. تهران: انتشارات سوره مهر.
- سیف، لیدا. (۱۳۸۶). *بازنمایی کارگزاران اجتماعی در منازعات فلسطین و اسرائیل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. شیراز: دانشگاه شیراز.
- شهبازی، ایرج. (۱۳۷۸). *تجزیه و تحلیل متنی و گفتمانی غزلیات عاشقانه سعدی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. شیراز: دانشگاه شیراز.
- ضیایی، حسام و علی صفایی. (۱۳۸۹). «بررسی جامعه‌شناختی گفتمان‌های شعر جنگ تحمیلی». *نشریه ادبیات پایداری*. سال اول. شماره ۲. صص ۱۸۹-۲۱۸.
- فلاحی، محمدهادی. (۱۳۸۸). *بازنمایی کارگزاران اجتماعی در نشریات دوره مشروطه از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*. پایان‌نامه دکتری. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- قویمی، مهوش. (۱۳۶۷). «زبان‌شناسی و کاربرد آن در ادبیات». *مجله زبان‌شناسی*. سال پنجم. شماره ۱. صص ۷۷-۹۰.
- قنبری، لیلا. (۱۳۸۳). *مقایسه تحلیل گفتمان انتقادی داستان‌های کوتاه معاصر بزرگسالان و داستان‌های کوتاه معاصر نوجوانان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. شیراز: دانشگاه شیراز.
- لک، منوچهر. (۱۳۸۴). «هویت ملی در شعر دفاع مقدس». *مجله مطالعات ملی*. سال ششم. شماره ۲. صص ۱۱۱-۱۳۲.
- محمدی، مهدی. (۱۳۸۹). *بررسی مفاهیم دینی در کتاب‌های داستانی کودکان و نوجوانان در ایران بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵*. رساله دکتری. قم: دانشگاه آزاد واحد قم.
- مکتبی‌فرد، لیلا. (۱۳۸۹). *بررسی تناسب محتوای داستان‌های تألیفی ایرانی برای کودکان و نوجوانان گروه سنی «ج» با مهارت و مؤلفه‌های تفکر انتقادی*. رساله دکتری. اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- مقداری، صدیقه‌سادات. (۱۳۸۹). *بررسی زبانشناختی ادبیات جنگ برای کودکان در ایران از دیدگاه گفتمان‌شناسی انتقادی*. رساله دکتری. مشهد: دانشگاه فردوسی.

- ون دایک، تنون. (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان؛ از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی*. ترجمه پیروز ایزدی و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- هراتی، سلمان. (۱۳۷۳). *از این ستاره تا آن ستاره*. تهران: انتشارات سوره مهر.
- _____ . (۱۳۸۸). *از آسمان سبز*. تهران: انتشارات سوره مهر.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: انتشارات هرمس.
- _____ . (۱۳۸۵). *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*. تهران: انتشارات هرمس.
- یاسمی، کلثوم. (۱۳۸۸). *نحوه بازنمایی کارگزاران اجتماعی در متون کتب ادبیات فارسی دبیرستان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. شیراز: دانشگاه علوم تحقیقات فارس.
- Amal saleh, E. (2004). the Representation of social actors in the EFL Text Books in Iran". Unpublished PhD Dissertation. Shiraz: Shiraz University.
- Fard, F. (2004). *A Comparative Study of Children's Stories and Adult's Stories within the Framework of CDA*. Unpublished M.A. Thesis. Shiraz: Shiraz University.
- Ghane, M. H. (2001). *The Interaction of Language and Thought between Male and Female among Persian and English Speakers*. Unpublished M. A. Thesis. Shiraz: Islamic Azad University.
- Lehtonen, Sanna. (2007). *Feminist critical discourse analysis and children's fantasy fiction modelling a new approach*. Finland: University of Jyväskylä. Vol.32. No.1. Pp.132-144.
- Namjoo, P. (2003). *The Way Discursive Ideologies Structures are related two set of Speeches on Terrorism*. Unpublished M.A. Thesis. Shiraz: Shiraz University.
- Ogola, James. (2007). "Masculinities in Kiswahili Children's Literature in Kenya". *Sawahili Froum*. Vol.14. Pp. 245-254.
- Rahimi, A. (2005). *A Critical Discourse Analysis of Euphemism and Derogation in English and Persian Texts*. Unpublished PhD Dissertation. Shiraz: Shiraz University.
- Rogers, Rebecca & Christian, June. (2007). "What Could I say?" A critical discourse analysis of the constructin of race in children's literature". *Race Ethnicity and Education Journal*. Vol.10. No.1. Pp. 21-46.
- Roy, S. (2008). "A Critical Discourse Analysis of Asian-Indian Folk Tales in US-American Children Literature". *Comparative Literature and Culture*. Vol.10 (2). Pp. 2-9.
- Talif, rosli & Nair, Ramesh. (2010). "Lexical Choices and The Construction of Gender in Malaysian Children's Literature". *Kajian Malaysia*. Vol. 28. No. 2.

- Van Leeuwen, T. (2008). *Discourse and Practice; New Tools for Critical Discourse Analysis*. Oxford: Oxford University Press.
- Wharton, S. (2005). "Invisible Females, Incapable Males; Gender Construction in Children's Reading Scheme". *Language and Education*. Vol.19. Pp. 235-238.



پیوست (۱)

